

قادر یامان

پس از کززی! بازهم کززی؟

به بهانه ای کاندیدای دوباره کززی به پست ریاست جمهوری

بنظر میرسید که بعد از توافقات بن در سال ۲۰۰۲ هر سالی که پیش روی ملت ما قرار داشت، سالی سرنوشت سازی باشد و بگمان دولت و جامعه جهانی هر سالی را سالی متفاوت برای افغانستان پیشبینی میکردند. اما همه ای پیشداوری های آنان غلط از آب درآمد. برخلاف پیشگویی ها، اوضاع نتنها بهبود نیافت، برعکس دولت کززی با چالش هایی بیشتری مواجه گردید. سال گذشته بدون شک خونین ترین و اندوه بارترین سالی پس از سرنگونی طالبان (ملا عمر) بشمار می آید. میتوان از شدت یافتن حملات انتحاری، گسترش و بیداد فقر در جامعه، اوج فساد اداری، بیکاری و بی سرنوشتی شهروندان، افزایش اقتصاد کوکنار - مافیایی، پامال شدن هر چه بیشتر حقوق بشر، ازدیاد کشتار غیرنظامیان، شدت گرفتن تقابل میان قوای سه گانه دولت، و ده ها نمونه ها از چالش های دولت آقای کززی برشمرد.

به گمان اغلب دلایل این همه چالش های سیاسی - نظامی و اقتصادی - اجتماعی ناشی از ضعف دولت مردان افغانستان در رأس آقای کززی از یکطرف و از جانب دیگر عمل کرد های نادرست کشور های خارجی مبنی بر عدم سیاست واحد آنان میباشد.

حامیان خارجی آقای کززی در این اواخر به ویژه ایالات متحده با تکیه بر نظامی گری خواستار اعزام نیروهای بیشتر از سوی هم پیمانانش و سهم گیری بیشتر در مقابله با بن بست کنونی گردیده است. اما آنها از یاد میبرند که راه - برون رفت از بن بست کنونی بیشتر در بازسازی عرصه های مختلف

اقتصادی - اجتماعی گره خورده است تا در سیاست نظامی گری در افغانستان. ناتوازی می برد که افغانستان خود باید دارای یک اردوی قوی و پولیس منظم باشد، بهتر میبود تا به تقویت و افزایش ظرفیت های این نیروها توجه بیشتر میگردید.

شما آقای ریس جمهور (منتخب!) بکدام یکی از وعده ها و شعار ها بلند پروازنه انتخاباتی دوره اول تان جامه عمل پوشانیده اید که اکنون یکبار دیگر خودرا در آزمایش مردم قرارمیدهید.

دولت کنونی در افزایش خشونت ها در سال های گذشته مقصر است. گسترش فساد اداری در درون دولت بیش از پیش افزایش یافت و مشکلات و چالش های بیشتر را به میان آورد و در نتیجه مردم بی دفاع کشور به ویژه در نقاط نا آرام به فراموشی سپرده شده و حاکمیت جنگسالاران و گروه های مافیایی در این مناطق هنوز هم بیداد میکند. دولت خود عملاً میدان را برای فعالیتهای جنگسالاران و گروه های مافیایی رها نمود، ولسوالی های موسی قلعه ، سنگین، بگوا، گلستان و...ده ها مناطق دیگر از این نمونه های میباشد.

پوشیده نیست که وضع مبارزه با مواد مخدر در این چند سال مانند دیگر عرصه ها با وخامت چشم گیری مواجه شده است. ولایت هلمند با افزایش سرسام آور کشت کوکنار، باز هم مقام اول تولید خشخاش در جهان را بدست آورد. دولت و جامعه جهانی هیچگاهی سیاست مشخصی در این راستا نداشته اند.

همچنین در این جاه و آنجاه از همکاری نیرو های خارجی به ویژه ایالات متحده و انگلستان با مافیای مواد مخدر مطرح و گفته میشود که میدان های هوایی تحت کنترل آنها در اختیار قاچاقچیان گذاشته میشود.

دولت افغانستان و جامعه جهانی سالهای گذشته را بدون پالیسی و استراتژی مشخص در کشور ما پشت سر گذاشتند و به این ترتیب مسبب اصلی خرابی اوضاع میباشند. آنها همواره از سیاست های غرض آلود و غیر شفاف در افغانستان بهره گرفته و بیش از آن که به فکر بهبود اوضاع در کشور جنگ زده ما باشند، زمینه را برای حضور دراز مدت خود در افغانستان و منطقه مهیا میسازند.

بدون شک دولت افغانستان بیش از جامعه جهانی در این سال ها فاقد یک سیاست و پالیسی کلی و کار آمد نسبت به اوضاع کشور به ویژه بخش امنیتی داشت و بیشتر از پیش به یک نظاره گر اوضاع کشور و بدبختی های روز افرون شهروندان تبدیل شده است. به این دلیل است که اکثر آنها امید خود را از دولت کنونی از دست داده اند. پارلمان کشور هم ، بجای اینکه برای برون رفت از بن بست کنونی چاره ای بجوید ، چالش ها و مشکلات جدیدی را مانند تقابل میان سه قوه دولت ایجاد کرده و بدین ترتیب آخرین میخ را بر تابوت امید های ملت کوبیدند.

اکنون شما محترم آقای کرزی با در نظر داشت مطالب فوق باز هم در مورد کاندیدای دوباره تان در پست ریاست جمهوری این کشور بلاه کشیده پافشاری مینمائید؟.

08022008

www.ayenda.org